

# محصولات استراتژیک کشاورزی در ایران

فتح‌الله تاری

در بین بخشهای مختلف اقتصادی، بخش کشاورزی نقش مهم و حیاتی ایفا می‌نماید و می‌توان گفت محصولات کشاورزی در این بخش وجود دارند که برای اکثریت کشورهای استراتژیک محسوب می‌گردند و شاید با طبقه‌بندی که مکاتب روان‌شناسی در رابطه با نیازهای انسان انجام می‌دهند و نیاز به مواد غذایی را در اولین طبقه این تقسیم‌بندی قرار می‌دهند بی‌ارتباط نباشد. در ایران نیز از دیرباز بخش کشاورزی سهم مهمی را در بین بخشهای مختلف اقتصادی به خود اختصاص داده است و در سالهای اخیر، اگرچه ارزش افزوده این بخش در مقایسه با سایر بخشها کاهش یافته و جای آن را بخشهای صنایع و خدمات اشغال نموده‌اند، ولی باز هم جمعیت عظیمی در این بخش مشغول فعالیت هستند. حمایت از تولیدات این بخش که نتیجتاً حمایت از کشاورزی را نیز به دنبال داشته است در بعد از انقلاب اسلامی به صورت گسترده‌ای مورد توجه قرار گرفته است. در سالهای قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نیز اگرچه حمایت چشمگیری انجام نمی‌گرفته و بعضاً اعتنا نیز نمی‌شده است، لیکن در نشریات و گفتار اهمیت تولیدات این بخش پیوسته یادآوری می‌گردید. جهت شناخت محصولات استراتژیک کشاورزی در جمهوری اسلامی، باید جهت کلی اهداف جامعه در این رابطه دریافته شود. در وهله اول قانون اساسی است که مسیر کلی را در رابطه با تولیدات بخش کشاورزی معین می‌نماید و مسلماً هرگونه تصمیم‌گیری دولت و مجلس نمی‌تواند از چهارچوب تعیین شده در این قانون خارج و یا مغایر با آن باشد. در قانون اساسی، فصل چهارم که اختصاص به مسائل اقتصادی و امور مالی دارد، اصول بیشتری مرتبط با اهداف بخش کشاورزی مشاهده می‌شود. مثلاً در اصل چهل و سوم ضوابطی را که

"اقتصاد جمهوری اسلامی ایران برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادگی او" بر آنها استوار است را مطرح می‌نماید که در نهمین قسمت آن چنین آمده است: "تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند، کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند".

علاوه بر فصل چهارم، در سایر فصول نیز اصولی وجود دارند که به نحوی با کشاورزی مرتبط می‌باشند و یا اهداف جامعه را در رابطه با این بخش بیان می‌نمایند. به عنوان مثال در اصل دولت (برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم) را ذکر می‌کند از جمله این وظایف "تأمین خودکفایی در علوم و فنون و صنعت کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها" می‌باشند.

چنانکه مشاهده می‌شود تکیه قانون اساسی در رابطه با محصولات کشاورزی بر خودکفایی است اگرچه مشخص نگردیده که منظور کدام محصول است و کار قانون اساسی نیز مشخص کردن چنین چیزی نیست ولی به هر حال هدف اصلی فعالیت‌های بخش کشاورزی را روشن کرده است اگر قوانینی که مجلس و دولت در این زمینه تصویب نموده‌اند نیز در کنار آن قرار داده شود، مسیر مشخص‌تر می‌گردد. مثلاً "منظور از کالاهای اساسی در لایحه راجع به توزیع کالا بیان شده است که در صفحات قبل آمد. حتی با ضمیمه نمودن این لوایح و قوانین به اصول قانون اساسی محصولات استراتژیک بخش کشاورزی به طور خاص مشخص نمی‌گردد، زیرا در سطح کلان متغیرهای مختلفی وجود دارند که هدف جامعه ایجاد تأثیر بر آنها می‌باشد ولی روشی که در مورد هر یک اعمال می‌گردد و نتیجه‌ای که عاید می‌شود یکسان نیست. متغیرهای کلانی که در تعیین محصولات استراتژیک کشاورزی نقش تعیین‌کننده‌ای دارند عبارتند از: اشتغال، تولید، درآمد، سطح قیمت‌ها، مصرف، هزینه‌های دولتی (شامل سوبسید) و... که خود بخود در تأثیر و تأثر متقابل و ارتباط با برخی دیگر از متغیرهای کلان مثل سرمایه‌گذاری، نرخ بهره، دستمزد و غیره می‌باشند. نوع محصول استراتژیک در رابطه با هر یک از متغیرهای فوق مشخص می‌شود که می‌تواند برای یک یا چندتای آنها یکسان باشد و یا تغییر نماید.

## تولید:

عمده‌ترین هدفی که در قانون اساسی در رابطه با محصولات کشاورزی به چشم می‌خورد، خودکفایی در امر تولید است به گونه‌ای که جوابگوی مصرف جامعه باشد و یا حتی در مرحله

بعدي می تواند صدور محصول توليدي باشد. در هر حالت قصد دولت اين است که از طريق مستقيم و يا غيرمستقيم بر روي ميزان توليد اثر گذاشته و آن را افزايش دهد. طريق مستقيم اجرائی عملياتی است که سطح زيرکشت و يا عملکرد آن در هکتار افزايش يابد و اين عمليات می تواند شامل مواردی مانند در اختيار گذاشتن بذر اصلاح شده و يا افزايش زمينه های مناسب کشت محصول باشد که دومی حتی در بلندمدت نيز محدود است. هدف افزايش توليد ممکن است از طريق تبديل کشت يک محصول به محصول ديگر صورت پذيرد که در اين صورت عوامل ديگر در تعيين اينکه کدام يک از محصولات بايد کشت شود دخالت می نمايند و درکل، نوع توليدي که بايد افزايش يابد مشخص می گردد. هدف افزايش توليد در رابطه با کيفيت محصول نيز می تواند قرار بگيرد به نحوی که از بين گونه های مختلف يک محصول خاص که دارای کيفيات متفاوتی می باشند، برخی خصوصيات را اصل قرار داده و آن محصولی که دارای قرابت بيشتري با اين خصوصيات هستند انتخاب و در جهت افزايش توليد آنها گام برداشته شود.

### اشتغال:

ممكن است هدف دولت تأمين شغل برای اقشار مختلف جامعه باشد و امکان اشتغال را در بخش کشاورزی جستجو کند به نحوی که هم بتواند نيروی بيکار فعلی را جذب نمايد و هم درآينده جوابگويی بخشی از نيروی کار که وارد بازار می شوند باشد. حتی ممکن است که هدف دولت حفظ نيروی فعالی باشد که در بخش کشاورزی مشغول فعاليت هستند. اگر بخش اعظم جمعيت شاغل در بخش کشاورزی به توليد محصول خاصی اشتغال داشته باشند و تعداد اين جمعيت در مقايسه با جمعيت کل کشور نيز چشمگير باشد در اين صورت توليد يک يا چند محصول خاص که بيشتراين عده در آنجا مشغول هستند از نظر دولت اساسی و مهم تلقی خواهد شد. زيرا جذب جمعيت شاغل در اين بخش در ساير بخشهای اقتصادی کشور کاری دشوار و در برخی موارد غيرممكن خواهد بود.

### مصرف:

غرض کلی از استفاده از مواد غذایی تأمين نيازهای جسمانی است. اين هدف نيز از طرق گوناگون می تواند جامعه عمل بهبود زياد مواد غذایی موجود از تنوع زيادی برخوردار هستند. در سطح پايين درآمدی حق انتخاب بين انواع مختلف مواد غذایی محدود به

چند نوع خاص که از نظر قیمتی در سطح پایینی قرار دارند می‌شود. اما در سطوح بالاتر درآمد این حق انتخاب بیشتر شده و به سمت مصرف کالاهای لوکس‌تر و همزمان با آن گران‌قیمت‌تر گرایش می‌یابد. مرضاً از مواد غذایی زراعی گیاهی به سمت مواد غذایی حیوانی روی می‌آورد در حالی که برخی مواد ممکن است تفاوت چندانی از نظر تأمین نیازهای بدن نداشته باشند. در این میان مواد غذایی کشاورزی، گیاهی در الگوی مصرف اغلب طبقه‌های جامعه وجود دارد، منتهی به درجه‌های مختلف (مانند نان حاصلی از گندم)، و از آنجا که تأمین این نیازها از وظایف دولت می‌باشد (به دلایل مختلف سیاسی و اقتصادی که مرتبط با این محصولات است) اهمیت خاصی بدانها داده شده و در جمع محصولات استراتژیک جای می‌دهند. ممکن است هدف دولت تغییر کیفی مصرف باشد که در این صورت جنبه کمی مصرف تحت پوشش کیفیت مصرف قرار می‌گیرد. یعنی می‌توان فرض را بر این قرار داد که سطح مصرف جامعه در حدی است که حداقل مواد مورد نیاز افراد تأمین می‌گردد اما از نظر دولت ترکیب کالاها در سبد مصرفی مناسب تشخیص داده نمی‌شود مثلاً ممکن است کالایی در این سبد یافت شود که مورد علاقه مصرف‌کننده نیز هست. اما به دلایل مختلفی که متأثر از متغیرهای دیگر می‌باشد (مثلاً عملکرد کم این نوع محصول در هکتار در مقایسه با نوع دیگری از همین محصول که کیفیت متفاوت دارد) محصول دیگری که قابلیت جانشینی آن را داشته باشد، اساسی تلقی شد و سعی اصلی در جهت ایجاد تغییر در الگوی مصرف جامعه از محصول اول به دوم مبدول شود.

### قیمت:

ممکن است فقط سطح قیمت یک یا چند محصول برای مصرف‌کننده آنها در نظر دولت اساسی تلقی گردد، در این صورت دولت به دنبال اتخاذ سیاستهای مختلفی است که بتواند به این هدف خود نائل شود. زیرا در شرایطی که درآمد مصرف‌کننده از افزایش برخوردار نباشد، صعود قیمتها موجب کاهش مصرف می‌شود و این موضوع در مواردی که مصرف کالا در یک سطح مشخص لازم و ضروری است به ضرر جامعه تمام می‌شود. یعنی اگر بیشتر مصرف‌کنندگان، بخصوص در سطوح پایین درآمدی، قادر به مقابله با افزایش سطح قیمتها نباشند و به علاوه میزان مصرف آنها در حدود تأمین حداقل معیشت باشد، کاهش مصرف موجب می‌گردد تا هدف دولت در جهت تأمین حداقل مواد غذایی مورد لزوم با شکست مواجه شود از طرف دیگر اگر سطح قیمتها در حدی نباشد که درآمد مورد انتظار تولیدکننده از کشت محصول را تأمین نماید به طوری که در مقایسه با درآمد سایر محصولات

که امکان کشت آنها در همان شرایط برای زارع وجود داشته است، پایین باشد در این صورت ضرر دیگری که همانا کاهش تولید باشد عاید جامعه می‌گردد. و لذا در دخالت دادن این متغیر باید هر دو جنبه قضیه را مدنظر داشت.

### درآمد تولیدکننده:

ممکن است که درآمد حاصل از کشاورزی در رابطه با درآمد سایر بخشها پایین باشد و حتی در درون خود بخش کشاورزی درآمد حاصل از کشت دو نوع محصول متفاوت با یکدیگر اختلاف فاحشی داشته باشند. در کشت دو گونه مختلف یک نوع محصول نیز چنین چیزی ممکن است وجود داشته باشد در این صورت دولت می‌بایست از دید تولیدکننده محصول به درآمد حاصله بنگرد. زیرا کشاورز با در نظر گرفتن سود حاصل از تولید و فروش محصول و منافع جنبی که می‌تواند عاید وی سازد (مثلاً نیاز خانواده خود را از یک محصول خاص" از طریق کشت و فروش محصول دیگر تأمین نماید بهتر است و یا اینکه محصول مورد نیاز خانواده را کشت نماید و از طریق خودمصرفی بخشی از آن را استفاده نمود و بخش دیگر را به فروش برساند) به تولید محصول می‌پردازد. اگر دولت به سبب مصالح دیگری (منتج از سایر متغیرها) محصولی که درآمدی کمتر از سایر محصولات ایجاد می‌نماید را استراتژیک بنامد در این صورت باید با استفاده از ابزارهایی انگیزه تولید آن را نیز در بین تولیدکنندگان ایجاد نماید و گرنه تولیدکننده حاضر نخواهد بود تا این هزینه‌ها فرصتهای از دست رفته را تقبل نماید.

### هزینه‌های دولتی:

در مورد برخی از محصولات، دولت سوبسید زیادی می‌پردازد و این دلایل مختلفی می‌تواند داشته باشد مانند ایجاد توان رقابت با محصولات مشابه خارجی در بازارهای داخلی و خارجی، و یا حفظ قیمت در سطح پایین به طوری که مصرف‌کننده قادر به تأمین نیازهای ضروری خویش باشد. در هر حال اگر هدف دولت ادامه این روند باشد، می‌بایست سالانه مقادیر بیشتری در رابطه با افزایش سطح قیمتها را به این امر اختصاص دهد که بار سنگینی را بردوش دولت خواهد گذاشت. و یا اگر بخواهد به طریقی دیگر عمل کند که از این بار مالی خویش بکاهد در این صورت درصد اهمیت محصول ذوق در بین محصولات دیگر تفاوت خواهد کرد. به علاوه نیاز تولیدات مختلف به کمکهای حمایتی دولتی در زمینه‌های دیگر مانند ماشین‌آلات، کود شیمیایی، سموم، بیمه، تضمین خرید و سایر موارد،

متفاوت است در مواردی که دولت بخواهد تولید محصولات را به نحوی تقویت کند که نیاز کمتری به حمایت دولت داشته باشند این عوامل در انتخاب نوع محصول دخالت خواهند داشت .

### سایر متغیرها:

برخی دیگر از متغیرها هستند که به نوعی در تعیین میزان تولید این محصولات دخالت دارند. درصد سرمایه‌گذاری‌های انجام گرفته توسط دولت در قبال تولید محصول خاص، میزان اعتبارات و وام‌هایی که پرداخت گردیده و یا برای حمایت از تولید می‌بایست پرداخت گردد و همین طور نرخ بهره‌ای که بابت آنها دریافت می‌شود، سطح دستمزدهای کارگرانی که برای تولید محصول به کار گمارده می‌شوند و می‌توان تأثیر تأثیر بین سطح دستمزدها و قیمت بازار یک محصول در مقایسه با سایر محصولات از جمله عواملی هستند که به هر حال در تعیین محصولات استراتژیک دخالت نام دارند. اینها متغیرهای کمی بودند. در کنار آنها یکسری متغیرهای کیفی نیز وجود دارند. عواملی چون نوع حکومتها، سیاستهای اقتصادی، سن و آداب و رسوم، درجه‌های توسعه‌یافتگی و پیشرفت تکنولوژی، بافت اقتصادی کشور از حیث صنعتی یا کشاورزی بودن و بسیاری امور دیگر نیز در تعیین این محصولات دخالت دارند.

با در نظر گرفتن هر یک از متغیرهای کمی فوق، یک یا چند محصول در حیطهٔ محصولات استراتژیک قرار می‌گیرند که بعضاً ممکن است یک محصول خاص در رابطه با چند متغیر فوق، اساسی شناخته شود و یا فقط یکی از متغیرها را دربرگیرد که در هر صورت در لیست محصولات استراتژیک قرار داده می‌شود، ذیلاً محصولات کشاورزی مختلف در رابطه با متغیرهای فوق بررسی می‌شود.

گندم، هم از نظر تولید تا مراحل خودکفایی و حتی پیش از آن اساسی تلقی می‌گردد و هم از جنبه‌های اشتغال و مصرف و قیمت و هزینه‌های دولتی. در حالی که از نظر درآمدی در مقایسه با محصولاتی که امکان کشت آنها در همین زمین وجود دارد شاید چندان اساسی تلقی نگردد. جو، دانه‌های روغنی، چغندر قند و نیکسر نیز وضعیتی مشابه گندم دارند. در حالی که برنج تا حدودی با آنها تفاوت دارد زیرا از نظر درآمدی نیز قادر است که نفع زیادی عاید تولیدکننده سازد. به علاوه از حیث هزینه‌های دولتی اساسی بشمار نمی‌رود زیرا در مقایسه با دیگر محصولات درصد هزینه، کمی را به خود اختصاص می‌دهد.

به علت برداشت‌های مختلفی که از متغیرهایی کیفی انجام می‌گیرد، نمی‌توان به همان سهولتی که از طریق متغیرهای کمی محصولات استراتژیک مشخص می‌گردند، عمل نمود و آنها را از طریق متغیرهای کیفی شناسایی کرد و این موضوع سبب پیچیدگی بیشتر در شناخت محصولات استراتژیک می‌گردد، همچنین به دلیل وجود خاصیت تغییر و تحول که به درجه‌های مختلف در بطن هر یک از متغیرهای کمی و کیفی وجود دارد، عملاً محصولات مشخصی وجود نداشته و ندارد که بتوان در کلیه زمانها آنها را استراتژیک تلقی نمود. اگرچه این مسئله در مورد محصولات کشاورزی کمی مشخص‌تر است با این وجود از ثبات برخوردار نیست و در زمانهای مختلف تغییر می‌نماید، در حال حاضر نیز به طور رسمی چنین محصولاتی اعلام نشده است، لیکن به طور ضمنی از یکسری محصولات به عنوان محصولات اساسی نام برده می‌شود که عبارتند از: گندم، جو، برنج، دانه‌های روغنی، نیشکر، چغندر قند و جای و برخی محصولات دیگر که به نوعی وابستگی به کشاورزی دارند (مانند مواد لبنی، گوشت قرمز و گوشت مرغ و تخم مرغ) که تحت تأثیر افزایش و یا کاهش عرضه و تقاضا و مسلماً قیمت هر یک، درجه اهمیت آنها تغییر می‌کند. محصولات مذکور محصولاتی هستند که دولت به درجه‌های مختلف بر خرید و توزیع آنها نظارت دارد. در کنارشان محصولات دیگری نیز هستند که در وهله اول دولت دخالت چندانی در خرید و فروش آنها نمی‌نماید. اما نسبت به عرضه آنها با قیمت‌های متعادل در جهت منافع مصرف‌کننده حساس است و زمانی که بازار این محصولات با بحران مواجه شود، وارد بازار شده و در عرضه و تقاضا و سطح قیمت دخالت می‌نماید (مانند حبوبات و پیاز و سیب‌زمینی) و این عمل به محصول بخصوصی اختصاص ندارد (چنانکه در مورد صیفی‌جاتی همچون هندوانه نیز عمل شده است).

با توجه به این مطلب می‌توان یک مقیاس زمانی نیز برای محصولات استراتژیک فائل شد. به طوری که اگر سه دوره کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت در نظر گرفته شود یک‌دسته از محصولات وجود دارند که در کوتاه مدت و میان مدت ثابت باقی می‌مانند و تغییراتشان به تحولات بلند مدت بستگی دارد (مانند گندم، برنج و...). اما دسته‌ای دیگر وجود دارند که در هیچ زمانی حتی در کوتاه مدت و میان مدت نیز ثابت نیستند و انتخاب آنها بستگی پیدا می‌کند به شرایط روز و برداشت‌های مختلفی که از نیازهای جاری کشور استنباط می‌گردد. (مانند حبوبات و پیاز و سیب‌زمینی) به هر حال این مشخصه زمانی، تا حدودی بیان‌کننده اولویت بین محصولات استراتژیک مختلف می‌باشد که در نهایت تفکیک زمانی را ارائه می‌کند و به کلیت مطالب آورده شده لطمه‌ای وارد نمی‌سازد.

بقیه در صفحه ۶۷

می دهند که ممکن است با مبلغ سود سهام پرداختنی تفاوت داشته باشد. برای تعیین سود سهام نقدی پرداخت شده، می باید مبلغ سود سهام اعلام شده را از طریق اضافه نمودن هرگونه کاهش (یا کسر کردن هرگونه افزایشی) در حساب سود سهام پرداختنی در طی دوره مورد نظر تعدیل نماییم.

### صورت حساب جریانهای نقدی: نگاهی دوباره

تاکنون، محاسبه هر یک از جریانهای نقدی مندرج در صورت حساب جریانهای نقدی شرکت سهامی ایسایتس را شرح داده ایم. برای خلاصه سازی بحثمان، مجدداً صورت حساب جریانهای نقدی را همواره با دو جدول کمکی تشریح می نماییم.

در این تشریح دوباره، ما روش غیرمستقیم را جهت محاسبه جریان نقدی حاصل از عملیات مورد استفاده قرار می دهیم. (محاسبات در اولین جدول کمکی ضمیمه صورت حساب نشان داده شده اند.) هدف از تشریح این روش آن است که خوانندگان را با شکل جایگزینی که ممکن است در صورتهای مالی منتشره نمایان شود، آشنا سازیم.

### بقیه از صفحه ۸۸

در یک جمع بندی کلی می توان گفت که چهارچوبی کلی و ثابت نمی توان برای تعیین این محصولات ارائه کرده نحوی که به محض ذکر نام محصولی خاص جایگاهش مشخص شده و اساسی بودن یا نبودن آن معلوم گردد ولی می توان گفت که معیارهای مشخصی برای این کار در دست می باشد که با توجه به اهداف کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت قابل طبقه بندی است به نحوی که برخی معیارها طی زمان در نظر گرفته شده لایتغیر بوده و برخی نیز دارای فاصله های جهت انعطاف و جابجایی می باشند. در این صورت با درجه بندی و اختیار دادن به هر یک از آنها می توان رتبه هر یک را شناخت و این امری ضروری در سیاست گذاری های کشاورزی دولت است که امتیاز بندی را نیز سیاستهایش روشن سازند تا در پرتو آنها افق دورتری از راهی که پیشرو قرار دارد مشاهده شود ●





شرکت سهامی ایساینس  
صورتحساب جریانهای نقدی

برای سال منتهی به ۳۱ دسامبر - ۱۹

جریانهای نقدی حاصل از فعالیتهای عملیاتی:

خالص جریان نقدی حاصل از فعالیتهای عملیاتی

(جدول کمکی الف ملاحظه شود)

۵۰۰۰۰۰ ریال

جریانهای نقدی حاصل از فعالیتهای سرمایه‌گذاری:

خرید اوراق بهادار قابل معامله

(۶۵۰۰۰۰) ریال

عایدات حاصل از فروش اوراق قرضه قابل معامله

۴۰۰۰۰۰

وامهای پرداختنی

(۱۷۰۰۰۰)

وصول وامها

۱۲۰۰۰۰

وجه نقد پرداختی جهت تحصیل تأسیسات و تجهیزات

(جدول کمکی ب ملاحظه شود)

(۱۷۰۰۰۰۰)

عایدات ناشی از فروش تأسیسات و تجهیزات

۷۵۰۰۰۰

خالص وجه نقد حاصل از فعالیتهای سرمایه‌گذاری

(۱۱۵۰۰۰۰)

جریانهای نقدی حاصل از فعالیتهای تأمین مالی:

عایدات ناشی از استقراض کوتاه مدت

۴۵۰۰۰۰

پرداخت بابت تسویه بدهیهای کوتاه مدت

(۵۵۰۰۰۰)

عایدات ناشی از صدور اوراق قرضه پرداختنی

۱۰۰۰۰۰۰

عایدات ناشی از صدور سهام سرمایه

۵۰۰۰۰۰

سود سهام پرداختنی

(۴۰۰۰۰۰)

خالص وجه نقد فراهم شده از طریق فعالیتهای تأمین مالی

۱۰۰۰۰۰۰

خالص افزایش ( کاهش ) در وجه نقد

۳۵۰۰۰۰ ریال

### جدول الف: خالص جریان نقدی حاصل از فعالیت عملیاتی

۶۵۰۰۰ ریال	سود خالص
۴۰۰۰۰	اضافه می شود: هزینه استهلاک
۱۰۰۰۰	کاهش در بهره معوق دریافتنی
۱۵۰۰۰	افزایش در حسابهای پرداختنی
۵۰۰۰۰	افزایش در بدهیهای معوق مربوط به بهره
۴۰۰۰۰	پرداختنی و مالیات بر درآمد پرداختنی
	زیان غیر عملیاتی ناشی از فروش اوراق بهادار
۴۰۰۰۰	قابل معامله
<u>۱۳۰۰۰۰ ریال</u>	جمع
۳۰۰۰۰۰ ریال	کسری می شود: افزایش در حسابهای دریافتنی
۱۰۰۰۰۰	افزایش در موجودی
۳۰۰۰۰	افزایش در پیش پرداختها
۶۰۰۰۰	کاهش در بدهیهای معوق
	درآمد غیر عملیاتی ناشی از
<u>۳۱۰۰۰۰</u>	فروش تأسیسات و تجهیزات
<u>۸۰۰۰۰</u>	
<u><u>۵۰۰۰۰ ریال</u></u>	خالص جریان نقدی حاصل از فعالیتهای عملیاتی

### جدول ب: فعالیت غیر نقدی در خصوص سرمایه گذاری و تأمین مالی

۲۰۰۰۰۰ ریال	خرید تأسیسات و تجهیزات
۴۰۰۰۰	کسری می شود: بخش تأمین مالی شده از طریق بدهی بلند مدت
<u>۱۶۰۰۰۰ ریال</u>	وجه نقد پرداختی جهت تحصیل تأسیسات و تجهیزات

